


A Research About the Quran Transcription by Mohaghagh Script

Amir Farid  Assistant Professor, Iran, Tabriz, Tabriz Islamic
Art University.
a.farid@tabriziau.ac.ir

Abstract

The acceptance of writing the Quran by Mohaghagh script begins at a time when the Kufi script is no longer widely used. The development and application of Mohaghagh script in Quranic transcribing, as the most important script in the Islamic world (especially in Iran), has lasted for about five centuries, from the 12th to the 16th century A.D. This expansion was along with the usage development of this script, from manuscripts to inscriptions in this era. The capacity of Mohaghagh script not only in letters and words

shape but also in easy transcribing, in comparison to its ancestor Kufi script, is the replacement reason of this script in the Quran transcribing. Calligraphers are more interested in this script transcribing for the Holy Quran than other six pens during these five centuries. This popularity is obvious from remained Quranic manuscripts and inscriptions in that era. Researching to find out the reasons for this reception and finding the formal features and social effects in the spread of Mohaghagh script is the most important goal of this article. Also, why this script was widely accepted in Quranic transcribing in the mentioned centuries, is one of the main questions of this research. In order to achieve the goals and answer the questions, this research uses library and field studies. But the method of achieving the results is to study and analyze the remained examples of the Quranic transcriptions in the 11th to 16th centuries A.D.

Key words: Calligraphy, Mohaghagh script, the Quran transcription, manuscripts, inscription

Resources

- Blair, Sheila (2018). *Islamic Calligraphy*, translated by Valiolah Kavousi, Tehran: Farhangeštan-e Honar. [in Persian]
- James, David (2002). *The Master Scribes: Qurans to the 14th centuries A.D.*, Tehran: Karang. [in Persian]
- Farid, Amir (2021). *The correlation of the Inscription and the Pattern in the Iranian Art*, Tehran: Kalhor. [in Persian]
- Fazaeli, Habibolah (2012). *Atlas-e-Khat*, Isfahan Mashal. [in Persian]
- Fazaeli, Habibolah (2010). *Talim-e-Khat*, Isfahan Mashal. [in Persian]
- Hashemi Nejad, Alireza (2021). *A Treasure of Mahan Qurans*, Kerman: Manoush. [in Persian]



سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۴۰۰

صص ۴۳-۲۹

پژوهشی در قرآن نویسی خط محقق

امیر فرید  استادیار، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
a.farid@tabriziau.ac.ir

چکیده

استقبال از نوشتن قرآن با خط محقق درست از زمانی شروع می‌شود که دیگر خط کوفی مورد استقبال نیست. گسترش و به‌کارگیری خط محقق در قرآن نویسی به منزله مهم‌ترین خط جهان اسلام، به‌ویژه در ایران، در حدود پنج سده، یعنی از سده ششم تا دهم ق. به طول انجامیده است. این گستردگی همراه با گسترش در مصارف این خط از دست نویس‌ها تا کتیبه‌های این دوران بوده است. گنجایش خط محقق چه در ریخت حروف و کلمه‌ها و چه در سهل نویسی، نسبت به نیای پیشین خود، یعنی خط کوفی، از دلایل جایگزینی این خط در قرآن نویسی به‌شمار می‌رفته است. اقبال خوش‌نویسان به این

خط در نوشتن مصحف شریف، نسبت به دیگر اقلام سته در این پنج سده بیشتر است. این توجه را می‌توان از آثار نُسخ قرآن و کتیبه‌های به‌جای‌مانده از آن دوره مشاهده نمود. پیگیری و کنکاش در یافتن دلایل این استقبال و یافتن ویژگی‌های شکلی و تأثیرات اجتماعی در رواج خط محقق، از مهم‌ترین اهداف این مقاله است. همچنین چرایی استقبال گسترده از این خط در قرآن‌نویسی دست‌نویس در سده‌های یادشده از پرسش‌های اصلی این پژوهش به‌شمار می‌رود. برای رسیدن به اهداف و پاسخ به پرسش‌ها، این پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی بهره می‌برد؛ اما روش حصول به نتیجه را در مطالعه و تطبیق نمونه‌های به‌جای‌مانده از قرآن‌نویسی در سده‌های پنجم تا دهم ق. می‌داند که به روش تحلیل بصری صورت خواهد گرفت.

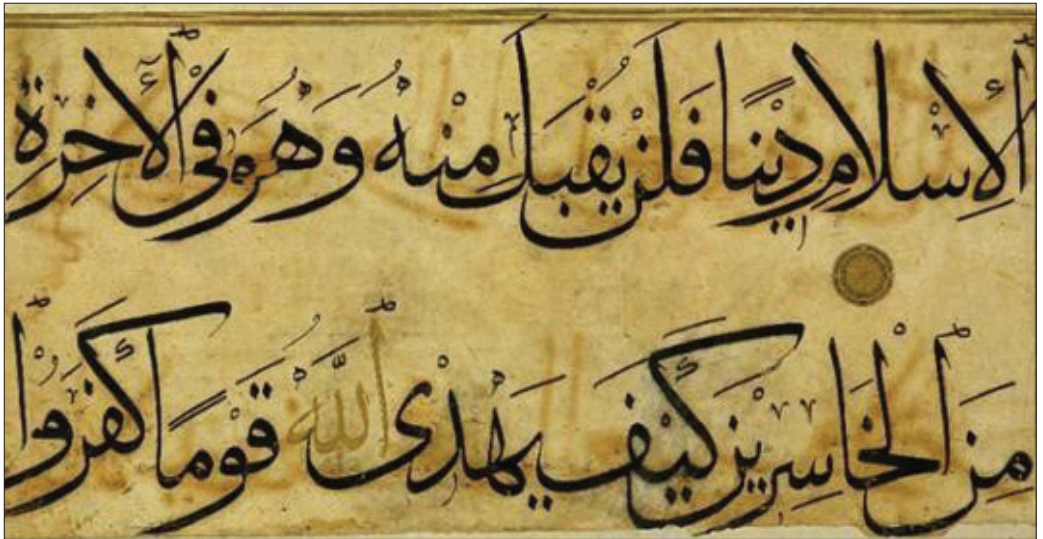
واژگان کلیدی: خوش‌نویسی، خط محقق، قرآن‌نویسی، نُسخ خطی، کتیبه.

گرچه نمونه‌هایی از قرآن به خط نسخ، هم‌زمان با حضور و استیلای خط کوفی در همان آغاز کتابت در سرزمین‌های اسلامی وجود داشته است و حتی در سده چهارم ق. خوش‌نویس نامداری چون ابن‌بواب با نوشتن قرآن معروفش، مشهور به چستریتی، خط نسخ را کنار خط کوفی دو خط اصلی در کتابت قرآن در نخستین سده‌های اسلامی نشانده است،^۱ و همچنین اگرچه پس از سده دهم ق. استیلای قرآن‌نویسی به خط نسخ تا به امروز ادامه دارد، در پنج سده میانی این فاصله، یعنی از سده پنجم و ششم تا دهم ق.، گسترش و فراگیری قرآن‌نویسی با خط محقق بوده است. به تعبیری پس از گسترش خط کوفی در پنج سده آغازین اسلام، خطی که توانست جای کوفی را بگیرد، خط محقق بود. در این دگرگونی سلیقه و اجرا باید دلایل گوناگونی را دخیل دانست. از دگرگونی در شرایط اجتماعی، تحول و شناخت خوش‌نویسان به قابلیت‌های شکلی الفبای اسلامی و حتی نوآوری در تمدن اسلامی و غیره، همه را می‌توان به صورت جداگانه بررسی کرد. از این رو پژوهش حاضر در چند دسته بحث خواهد کرد: سخنی در ریشه‌یابی و واژگان این خط، ویژگی‌های ریختی این خط، سیر تحول خط محقق، دلایل گسترش این خط در این چند سده، جایگاه خط محقق در کتیبه‌نویسی این دوران و در آخر معرفی مختصری از بزرگان این خط.

خط محقق

محقق از ریشه حق به معنای درست بودن یا شدن، درستی، صحت یا حقیقت است. مورخان واژه محقق را به دو معنی آورده‌اند؛ یکی به معنی تحریر خوب و اجرای رسمی، و دیگری به معنای خطی خاص که برای استنساخ نسخ قرآن متداول شد. همچنین خط محقق را یکی از اقلام سته می‌دانند که در دستان‌خاندان ابن‌مقله به قاعده درآمده است. این خط گویا نخستین خط از میان شش خط به‌نظم درآمده است؛ اما به‌نظر می‌رسد این خط تا زمان ابن‌بواب همچنان در حال شکل‌گیری بوده است (بلر، ۱۳۹۶: ۲۰۷). با وجود این پیشینه و در شروع پیدایش این خط، قرآن‌نویسی با خط کوفی بر این خط سایه افکنده است. بازه

پرکاربرد این خط در سده‌های پنجم و ششم تا پایان سدهٔ دهم ق. بوده است. خط محقق را جزو گروه خط‌های مبسوط، به معنای خشک و در برابر خطوط دُوردار، به حساب آورده‌اند. همچنین این خط را محقق به معنای واضح و صحیح در برابر مطلق (حروف آن داخل هم و درهم شده می‌نماید) به کار گرفته‌اند (فضائی، ۱۳۹۰: ۱۹۷). نزدیک‌ترین خط به محقق از نظر شکل، خط ریحان است که حتی در نزد برخی یکسان به حساب می‌آید و از بسیاری جنبه‌ها شبیه هم هستند. مهم‌ترین وجه تمایز این دو خط را باید در دانگ قلمی دانست که با آن ریحان و محقق را می‌نویسند. هرچند از نظر کاربردی خط محقق گسترهٔ بیشتری از کاربری قرآن‌نویسی را پوشش می‌داده است (تصویر ۱).



ویژگی‌های ریختی خط محقق

خط محقق خطی استوار است که در آن کشیدگی‌های حروف عمودی بیشترین خودنمایی را دارد. این جلوه‌های عمودی در حروف کشیده را حرکت‌های حروف و اتصال‌های مایل به افقی که در حرکت‌های افقی همراه

تصویر ۱- بخشی از قرآن
موسوم به بایسنقری، سدهٔ
نهم ق.

می‌کرده است، همچنین حروف مایلی مانند «و» و «ر» که همچون حروف عمودی و افقی با دور بسیار کم همراهی می‌کند، حالتی منظم و رسمی می‌دهد. «شکی نیست که خط محقق نام خود را تا حدودی وام‌دار نیل به توازن میان عناصر عمودی و افقی است، زیرا محقق به معنای تحقیق یافته و به کمال رسیده است، که دال بر این است که کمال مطلوب در این خط محقق شده است» (لینگز، ۱۳۷۷: ۱۰۰).

از دیگر ویژگی‌های خط محقق ادای به حق حروف است که ابهام و اشتباه در آن نیست و موجب خواندن آسان می‌گردد (فضائل، ۱۳۹۰: ۲۱۷). همان‌گونه‌که در بخش دلایل رواج این خط خواهد آمد، همین دلیل موجب گسترش و جانشینی این خط با خط کوفی می‌شود. وجود طره در این خط کوتاه‌تر از خط ثلث است که بر بالای حروف «ا» و «ل» خودنمایی می‌کند. حرکت‌های کشیده «ا» و «ل» نیز دور خفیف ثلث را نداشته و به وقار این خط افزوده است. خط محقق با اشکال یکدست و یکنواخت و درشت‌اندام منبسط، در کمال روشنی و استواری نوشته شده است و با ثبات کامل در جایگاه خود قرار می‌گیرد و شکلی که باعث اشتباه باشد در آن نیست؛ به جز در «ک» و «ل» منفرد. این خط دارای سه چهارم سطح و یک چهارم دُور است (فضائل، ۱۳۸۸: ۲۸۸-۲۹۲).

شیوایی خط محقق در خور تأمل است. هر تک‌حرف در این خط فضای بصری زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و موجب وضوح حروف می‌گردد. همچنین فاصله هر حرف نسبت به یکدیگر و در واقع اتصال حروف در این خط پر قدرت (با قوت قلم) و دامنه حرکتی زیادی را برای اتصال دو حرف به خود اختصاص می‌دهد.

ویژگی ریختی این خط، چه از جهت خوانش و چه از جهت کتیبه و تزئینات، باعث استفاده از این خط در دو کاربرد نُسَخ خطی و کتیبه‌نویسی شده است.

در دست‌نویس‌ها رسم واضح، فواصل مناسب بین حروف، اداشدن حروف نسبت به همدیگر و... موجب خوانش مطلوب برای دست‌نویس‌های قرآنی می‌شده است.

حروف بلند و کشیده در این خط مانند کشیدگی عمودی «ا» و «ل»، دورخوانی، رعایت فواصل یکسان در میان حروف، بزرگ‌نویسی برخی از حروف که در خطوط دیگر ریز نوشته

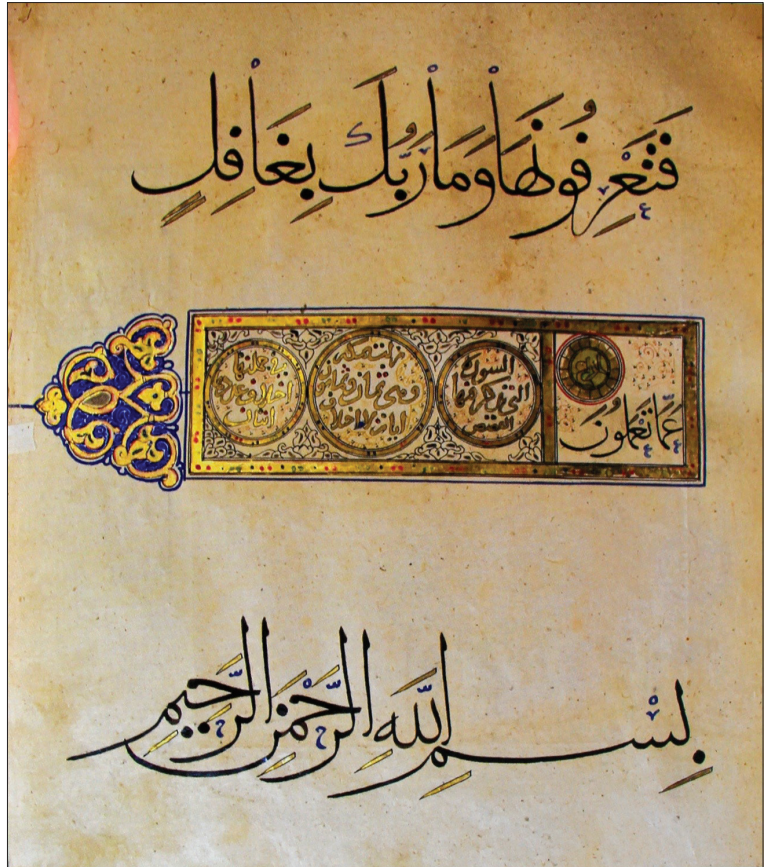
می‌شوند، مانند «و» و «ر» به صورت مایل و مایل به افقی در کنار حروف افقی «ب» در مقابل حروف عمودی کشیده، دورخوانی مناسب این خط که مناسب کتیبه بوده، رعایت فاصله باز به جهت آوردن تزئین و... همه از دلایل بهره‌برداری از این خط در کتیبه‌ها بوده است.

خط محقق تا اوایل دوره صفوی گسترش فراوانی چه در قرآن‌های دست‌نویس و چه در کتیبه‌ها داشته است؛ اما در دوره صفوی این خط در دست‌نویس‌ها جای خود را به خط نسخ و در کتیبه‌ها جای خود را به ثلث داد و تا حدود زیادی پس از آن تا دوره معاصر دیگر مورد استقبال عمومی قرار نگرفت.

سیر تحول تاریخی خط محقق

گویا «نخستین قرآن به خط محقق در سال ۵۵۵ ق. در ایران نگاشته شده است» (جیمز، ۱۶: ۱۳۸۸). اگر این تاریخ که سده ششم ق. است را ملاک شروع قرآن‌نویسی با این خط بدانیم، تا کاهش استفاده از این خط که در نیمه دوم حکومت صفوی^۲ است، نباید از آن انتظار نوشتاری یکدست و با یک کیفیت داشت. در توضیح این مبحث لازم است بیان گردد که در نخستین نمونه‌ها از قرآن‌های باقیمانده با این خط در ایران، که مربوط به سده ششم می‌باشد، از نظر فرم و ریخت با چکاد استفاده از این خط که مربوط به سده هشتم و نهم ق. است، تفاوت‌های چشم‌گیری دیده می‌شود. پس از ژرف‌نگری در قرآن‌های دست‌نویس محقق، اگر استثناها^۳ را کنار بگذاریم، باید چنین نتیجه گرفت که در قرآن‌های سده‌های ششم و اوایل سده هفتم یکنواختی در رانش تمام قسمت‌های حروف و اتصال‌ها مشاهده می‌شود. فضای باز میان حروف و کلمه‌ها بسیار به چشم می‌آید. کشیدگی افقی حروفی مانند «ن» و «ی» بسیار کشیده‌تر نسبت به دانه‌گ و پهنای قلم به نظر می‌رسد. نقطه‌ها

در این دوران به گردی متمایل است. دو مورد آخر گویا باید از قطع قلم بوده باشد (تصویر ۲).



تصویر ۲ - نمونه‌ای از صفحهٔ قرآن قراختایی، محفوظ در موزهٔ مجموعهٔ ماهان کرمان.

اوج به‌کارگیری خط محقق را باید در اواخر سدهٔ هشتم و سدهٔ نهم ق. دانست. قرآن عمر اقطع یا آثار احمد سهوردی و ارغون کاملی را می‌توان نمونه‌های این نوع خط به حساب آورد. در این نمونه‌ها عموماً تنوع قوت و ضعف در رانش حروف و در اتصال‌ها وجود دارد. بهره‌گیری از قوت و پهنای قلم سنگینی و گرانیگاه (مرکز ثقل) در حرکت‌های افقی فراهم نموده است. فضای بین حروف در عین رعایت و اصول گردش قلم، متعادل می‌شود (تصویر ۳).



تصویر ۳- برگی از قرآن کارشده در شیراز، اواخر سده هشتم ق.

شاید بتوان مهم‌ترین فرایند این تکامل را در تکامل تراش قلم دانست. «احتمال تغییر در کاربرد نوع جدیدی از قلم‌نی، شکل تازه‌ای در تراشیدن و قط‌زدن نوک آن باشد که موجب حرکت دادن قلم می‌گردد» (بلر، ۱۳۹۶: ۲۰۹).

فراگیری خط محقق

تا سده پنجم ق. خط کوفی خط حاکم برای قرآن‌نویسی در ممالک اسلامی از جمله در شرق این تمدن به حساب می‌آمده است. اما از حدود همین سده تا پانصد سال خط محقق جای این خط را گرفت. دلایلی برای این تغییر سلیقه برشمرده می‌شود؛ وجود برخی از مشابهات‌ها از نظر جلب توجه و ارزش به فضای منفی در صفحه با خط کوفی، عدم ریخت‌های گوناگون در شکل حروف که این نیز از ویژگی‌های خط کوفی بوده است. حاکمیت خط کوفی بر نسخه‌آرایی قرآن‌های محقق را حتی می‌توان در

تعداد سطرهای انتخاب برای هر صفحه نیز مشاهده نمود. حتی زمانی که قطع کاغذ به دلایلی، از جمله آشنایی مسلمانان با کاغذسازی، از افق به عمودی انجامید، هنوز تعداد سطرها با وجود فضای باز میان سطرها شبیه نمونه‌های کوفی، در چند سطر محدود بود. بر همین منوال می‌توان با خاتم بلر هم عقیده بود که دلایلی را از دیگر پژوهشگران فراهم نمودند. خلاصه آن چنین است:

- بنا به پژوهش‌هایی، توسط ابن مقله و ابن بواب در قلم و وضعیت نوک قلم تغییراتی ایجاد می‌گردد و این تغییرات به دلیل ذائقه عموم کاتبان، آسان‌نویسی، آسان‌خوانی و... می‌شده است.

- شناخت و تنوع در مواد و مصالح در صنایع کتاب‌آرایی اسلامی در این سده‌ها، تحولی بنیادی در ریخت‌نوشتار به وجود آورده است.

- حضور منشیان دیوانی در مقام کاتب در این دوره افزایش می‌یابد. برخلاف خط کوفی که طبقه علما کاتب آن بودند و رقم نیز نمی‌نوشته‌اند، نسخه‌های قلم مستدیر حاوی رقم بوده است. القایی چون وراق و کاتب در این دوره بسیار به چشم می‌آید که در دوره پیش‌تر چنین مرسوم نبوده است (به عبارتی رسمیت‌یافتن صنف کاتب) (بلر، ۱۳۹۶: ۲۰۹-۲۱۰).

همچنین ایجاد مدارس رسمی در سده‌های پنجم و ششم ق. در قاعده‌مند نمودن و فراگیری این خط را نیز بیان داشته‌اند (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۸). در کنار این دلایل شاید بتوان سلیقه حامیان و سفارش‌دهندگان ایلخانان به دلیل علاقه به خطی که قابلیت بزرگ‌نویسی داشته و دارای اهت بصری است (خط محقق) را نیز بی‌تأثیر ندانست. دست‌کم داستان قرآن عمر اقطع، که در گلستان هنر قاضی احمد آمده است، چنین تأییدی بر این گفتار می‌تواند باشد.

گویا پس از کوفی و با فراگیری اقلام سته یک دسته‌بندی صورت گرفته بود؛ بدین معنا که برای قرآن‌نویسی از خط محقق و نسخ و برای اسناد و وقف‌نامه‌ها و... از رقا و توقیع و برای تزئینات از ثلث بهره گرفته می‌شده است. البته در این میان خط محقق هم در قرآن‌نویسی و هم در تزئینات و کتیبه‌نویسی حضور داشته است. این تقسیم وظیفه در چند سده ابتدای اسلام

همگی به عهده کوفی و انواع آن بوده است که موجب تنوع در ریخت کوفی‌ها شده است. این تنوع با یک نمونه، یعنی کوفی، که منجر به سخت خوانی در برخی از گونه‌های آن داشته است، می‌توانست بستر اجتماعی برای رجوع به گونه‌های دیگر نوشتاری فراهم آورد که همانا اقلام سته بوده است.

خط محقق و کتیبه‌نویسی

نکته‌ای که کمتر بدان پرداخته شده است، به‌کارگیری خط محقق در کتیبه‌نویسی این دوره‌ها به‌ویژه در دوره اوج محقق‌نویسی یعنی سده‌های هشتم و نهم ق. است. در میان آثار فراوان کتیبه‌نویسی، دوره‌های ایلخانی و تیموری سهم خط محقق بسیار است. البته شاید با احتیاط واژه خط محقق متمایل به ثلث را به‌کار برد. این گونه اقلام دورگه که در نگاه نخست به دلیل کارکرد اصلی خط ثلث و فراگیری آن در دوره‌های پسین‌تر با خط ثلث اشتباه گرفته می‌شود، بیشتر وام‌دار خط محقق است. با نگاهی به کتیبه‌های دوره ایلخانی مانند کتیبه بیرونی مسجد جامع ورامین، کتیبه‌های بناهای تیموریان و پس از آن مانند مدرسه بی‌بی‌خانم و دودر در سمرقند، مقبره ابوبکر تایبادی در تایباد، کتیبه بیرونی مسجد کبود در تبریز و... به راحتی ردپا و شاخصه‌های خط محقق قابل مشاهده است.



ترکیب‌بندی در کتیبه‌نویسی با خط محقق، حلقه میانی کتیبه‌نویسی با خط کوفی و خط ثلث است. این نکته بدین معناست که با نگاه به نخستین

تصویر ۴ - کتیبه مدرسه دودر در سمرقند، سده نهم ق.

کتیبه‌های دوره اسلامی مشاهده می‌گردد که این کتیبه‌ها در یک خط کرسی نوشته می‌شده‌اند و عموماً تغییر کرسی در این نمونه‌ها بسیار نادر بوده است (فرید، ۱۳۹۹). از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های کتیبه‌نویسی خط ثلث سوارنویسی و تغییر در کرسی است. حال با نگاه به کتیبه‌های خط محقق مشاهده می‌گردد که باز بیشتر بخش‌های کتیبه در یک خط کرسی نوشته می‌شود و به دلیل یادی از گذشته از کتیبه‌های فرزند کوفی بهره برده شده است (تصاویر ۴ و ۵).



تصویر ۵ - کتیبه مقبره ابوبکر
تأییدی در تأیید، سده نهم ق.

بزرگان و سرآمدان خط محقق

پیدایش خط محقق را به آغاز دولت عباسیان منسوب کرده‌اند (فضائل)،

۱۳۹۰: ۱۹۵). همچنین نام مروجان این خط در برخی از منابع از جمله کتاب اطلس خط آمده است (صص ۲۱۰- ۲۱۳)، اما برای معرفی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این افراد باید به نام‌های مهمی اشاره داشت. به جز قاعده‌مندکنندگان این خط، یعنی خاندان ابن‌مقله بیضاوی، شاید بتوان ابن‌بواب را نخستین خوش‌نویس جدی این خط و علاءالدین را واپسین خوش‌نویس نامدار این خط به حساب آورد. در این میان باید از یاقوت مستعصمی و شاگردان او چون احمدبن سهرودی و ارغون کاملی نام برد. از دیگر شاگردان یاقوت باید سیدحیدر گنده‌نویس را نام برد. اهمیت او به واسطهٔ پروراندن شاگردانی از جمله عبدالله صیرفی است که توسط او جریان خوش‌نویسی به پایتخت آن روز ایران، یعنی تبریز، رسوخ می‌کند و به همین صورت ابن‌بواب و در پیوستگی این نام‌ها به استناد همان نقطهٔ جغرافیایی باید از علاءالدین نام برد. البته به موازات جریان خوش‌نویسی تبریز، با جریان قرآن‌نویسی موفق (بنا به شرایط و وجود حامیان و خاندان‌های خاص) در شیراز مواجه هستیم که با تولید قرآن‌های نفیس روندی تأثیرگذار را رقم زده‌اند. تنها برای نامی از خوش‌نویسان آن مکتب باید از روزبهان شیرازی نام برد که در خط و تذهیب سرآمد بوده است.

نتیجه‌گیری

خط محقق یکی از اقلام پرکاربرد است که نظم و قاعده‌مندشدن آن توسط خاندان ابن‌مقله انجام گرفته است. این خط را پدر خطوط اسلامی نامیده‌اند. شکوه و راسخی رانش قلم در این خط به ویژه در حروف بلند و ایستا از این خط نمونه‌ای باوقار را تداعی نموده است. این خط گویا نخستین خطی است که از کوفی استخراج شده است. یاقوت یکی از استادان این خط به واسطهٔ شاگردانی که تربیت کرد، توانست پیوستگی کاربرد این خط را تا اواسط دورهٔ صفوی بگستراند.

کاربرد دوگانهٔ قرآن‌نویسی در نسخ خطی و کتیبه‌نویسی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های مهم این خط است. از دیگر ویژگی‌های خاص این خط تناسب و توازن میان حروف افقی و عمودی است. همچنین با قرارگیری گرانیگای این خط بر روی کرسی خطی ایستا و محکم را

می‌نمایاند. این خط نیز مانند هر جریان هنری دیگری یک دوره شکل‌گیری و یک دوره اوج (چه از بابت استفاده و چه از بابت ریخت و شکل‌گیری) داشته است. دوره اوج این خط را باید در سده‌های هشتم و نهم ق. جست. نیاز جامعه، قابلیت شکلی و فرمی خط محقق، سلیقه حامیان و... را می‌توان از جمله مواردی دانست که منتهی به مانایی و استفاده از این خط به مدت چند سده شده است.

این خط باشکوه در اواسط دوره صفوی کمتر مورد استفاده قرار گرفت. جای این خط در دست‌نویس‌های قرآنی را خط نسخ پُر کرد و در کتیبه‌نویسی نقش خط محقق را خط ثلث ایفا نمود. گرچه در هر دو، این رخداد یک‌دفعه نبوده است. همان‌گونه که در دست‌نویس‌ها جدایی خط محقق، ابتدا در سرعنوان‌ها و خطوط یک‌درمیان رخ نمود، در کتیبه‌نویسی نیز کتیبه‌های ثلث متمایل به محقق نقش میانی داشته‌اند.

منابع

- بلر، شیلا (۱۳۹۶)، خوش‌نویسی اسلامی، ترجمه ولی‌الله کاووسی، تهران: فرهنگستان هنر.
- جیمز، دیوید (۱۳۸۰)، کارهای استادانه، ترجمه پیام بهتاش، تهران: کارنگ.
- دروش، فرانسوا (۱۳۹۴)، قرآن‌های اموی، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، تهران: هرمس.
- فرید، امیر (۱۳۹۹)، هم‌نشینی نقش و نوشتار در هنر ایران، تهران: کلهر.
- فضائی، حبیب‌الله (۱۳۹۰)، اطلس خط، تهران: سروش.
- فضائی، حبیب‌الله (۱۳۸۸)، تعلیم خط، تهران: سروش.
- هاشمی‌نژاد، علیرضا (۱۳۹۹)، گنجینه مصاحف ماهان، کرمان: مانوش.

یادداشت‌ها

۱. درمورد حضور قرآن به خط نسخ در نخستین دوره‌های کتابت اسلامی می‌توان به این پژوهش رجوع نمود: دروش، ۱۳۹۴.
۲. بدان جهت «حکومت صفوی» آمده است که این پژوهش بر محقق‌نویسی در ایران متمرکز است. گرچه این سیر تحول و به‌کارگیری در تمام کشورهای اسلامی با روند تحول این خط در ایران مطابقت نسبی دارد (با این پافشاری که کیفیت آثار محقق در ایران می‌تواند یک شاخصه و الگوی مناسب برای بررسی این جریان باشد) نخستین خط محقق در ایران گویا در سال ۵۵۵ ق. کتابت شده است؛ اما به‌زودی خوش‌نویسان ایرانی گوی سبقت را چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت از دیگر ممالک اسلامی ربودند.
۳. برای مثال قرآن محقق منسوب به یاقوت، که در مجموعه خلیلی از آن یاد می‌شود، بسیار مشکوک است و از نظر سیر تحول فرمی قرآن‌های این خط، گونه‌ای پیشرفته به حساب می‌آید.

البحث في كتابة القرآن بخط المحقق

أمير فريد

عضو هيئة التدريس بجامعة تبريز للفنون الإسلامية

a.farid@tabriziau.ac.ir

الملخص

يبدأ قبول كتابة القرآن بالخط المحقق في وقت لم يعد فيه الخط الكوفي مستخدماً على نطاق واسع. استمر تطوير خط المحقق واستخدامه في كتابة المصاحف، أي من القرن السادس إلى القرن العاشر الهجري باعتباره الخط الأكثر أهمية في العالم الإسلامي (خاصة في إيران) منذ حوالي خمسة قرون. وقد صاحب هذه الفترة الزمنية توسع في استخدام هذا الخط في المخطوطات و الكتابات هذه الفترة. وقد اعتبرت قدرة خط المحقق، سواء في شكل الحروف و الكلمات أو في سهولة الكتابة، مقارنة بسابقه الخط الكوفي، من أسباب استبدال هذا الخط في كتابة القرآن. على الرغم من أن الخط المحقق كان يعتبر من الأقلام الستة، إلا أن اهتمام الخطاطين بهذا الخط في كتابة القرآن الكريم كان أكثر من

الأقلام الأخرى في هذه القرون الخمسة. ويمكن ملاحظة هذا الاهتمام من نسخ المصاحف والكتابات المتبقية من تلك الفترة. من أهم أهداف هذا المقال السعي والبحث لمعرفة أسباب هذا الاستقبال وإيجاد الملامح الشكلية والتأثيرات الاجتماعية في انتشار خط المحقق. كما أن سبب قبول هذا الخط على نطاق واسع في كتابة القرآن (سواء في المخطوطات أو الكتابات) في القرون المذكورة هو أحد الأسئلة الرئيسية لهذا البحث. من أجل تحقيق الأهداف والإجابة على الأسئلة، يستخدم هذا البحث دراسات مكتبية و ميدانية. ومع ذلك فهو يعرف طريقة تحقيق النتيجة في دراسة وتطبيق الأمثلة الباقية من نسخ المصحف الشريف في القرن الخامس إلى العاشر الهجري والتي ستم بأسلوب التحليل البصري.

الكلمات المفتاحية: خط المحقق، كتابة القرآن، مخطوطات، كتابة

Kur'an-ı Kerim'in Muhakkak Hattıyla Yazılmasına Dair

Emir Ferid

Tebriz İslam Sanatları Üniversitesi Öğretim Üyesi
a.farid@tabriziau.ac.ir

Özet

Kur'an'ın Muhakkak hattıyla yazılmasının kabulü, Kufi yazının artık yaygın olarak kullanılmadığı bir zamanda başlar. İslam dünyasında (özellikle İranda) en önemli yazı olarak Hicri altıncı yüzyıldan onuncu yüzyıla kadar muhakkak hattı Kur'an yazısında geliştirilmesi ve kullanılması yaklaşık beş yüzyıl sürmüştür. Bu zaman aralığına, bu hattın kullanımında bu döneme ait el yazmalarından kitabelere kadar bir genişleme eşlik etmiştir. Muhakkak hattının gerek harf ve kelime olarak gerekse kolay yazmaktaki kapasitesi, selefi olan Kufi yazıya

kıyasla, Kur'an yazısında bu hattın deęiřtirilmesinin sebeplerinden biri olarak kabul edilmiřtir. Her ne kadar muhakkak hattı, aklam-i sitte (altı çeřit hat cinsleri) kalemlerden biri olarak kabul edilse de, hattatların bu beř asırda Kur'an-ı Kerim'i yazarken bu hatta olan ilgisi dięer hatlardan daha fazladır. Bu dikkat, Kuran nüshalarından ve o dönemden kalan kitabelerden görölmektedir. Bu kabulün nedenlerini bulmak için arayıř ve arařtırma yapmak ve muhakkak hattının yayılmasındaki biçimsel özellikleri ve toplumsal etkileri bulmak bu makalenin en önemli amaçları arasındadır. Ayrıca söz konusu yüzyıllarda bu hattın Kur'an-ı Kerim yazmasın'da (hem yazma eserlerinde hem de kitabelerde) neden yaygın olarak kabul edildięi de bu arařtırmanın temel sorularından biridir. Bu arařtırma, hedeflere ulaşmak ve soruları cevaplamak için kütüphane ve saha çalıřmalarından yararlanmaktadır. Bununla birlikte, görsel analiz yöntemiyle yapılacak olan Hicri beřinci ila onuncu yüzyıllarda elde kalan Kur'an yazısı örneklerinin çalıřılması ve uygulanmasında sonuca ulaşmanın yöntemini bilir.

Anahtar kelimeler: Muhakkak Hattı, Mushaf-ı řerif, kitabe.